



گزارش

دومین همایش تاریخی - فرهنگی ایران و قفقاز شمالی اداره مطالعات اسناد و تاریخ روابط خارجی

همایش «ایران و قفقاز شمالی» روز یکشنبه مورخ ۲۶ خرداد ۱۳۹۸ با حضور جمعی از مقامات سیاسی و فرهنگی و نیز پژوهشگران دو کشور ایران و روسیه در محل همایش‌های مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه برگزار شد.

بخش آغازین:

جناب آقای دکتر محمدکاظم سجادپور رئیس مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ضمن خوشامدگویی به حضار اظهار داشت که کنفرانس امروز دارای ابعاد گوناگونی است، هم ابعاد تاریخی دارد و هم معاصر؛ هم آنچه گذشته و هم آنچه اکنون در جریان هست. روابط ما با روسیه، چندلایه و با وجوه مختلف است و قطعاً یک بُعد آن، ابعاد علمی، تاریخی، آرشیوی و تمدنی و فرهنگی است. ایران و روسیه نه تنها دو کنشگر سیاسی، بلکه دو کنشگر فرهنگی و تمدنی با پشتوانه بیش از ۵۰۰ سال روابط دیپلماتیک به شمار می‌روند و یک حوزه عمیق تعاملات بین ما وجود دارد. به طور کلی روابط ما با روسیه مهم است و روابط ما با قفقاز شمالی در چارچوب روابط با فدراسیون روسیه قابل بررسی است.

سپس جناب آقای کاتسایف معاون وزیر قفقاز شمالی در فدراسیون روسیه گفت که روابط ایران با قفقاز روسیه، اهمیت استراتژیک دارد و ریشه‌ها و مشترکات فراوانی داریم. در نخستین کنفرانس ایران و قفقاز شمالی در سال ۲۰۱۷ میلادی این امکان فراهم شد که بتوانیم تبادلات علمی، آرشیوی و کارهای باستان‌شناسی مشترک بین ایران و فدراسیون روسیه و نیز ایران و قفقاز شمالی داشته باشیم. روابط ایران و روسیه که به چندین قرن قبل

برمی‌گردد، دارای ریشه‌های تاریخی و فرهنگی زیاد است؛ بنابراین تعمیق مطالعه تاریخ روابط ایران با روسیه و مناطق روسیه بسیار اهمیت دارد و ما می‌توانیم فرصت‌های جدیدی برای همکاری‌های بین‌منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای داشته باشیم. میراث فرهنگی فی‌مابین پراهمیت است و امیدوارم که این دومین کنفرانس نیز بتواند در نزدیکی روابط فرهنگی دو کشور نقش ایفا کند.

پنل نخست (مشترک):

ابتدا پرفسور آگایف رئیس دانشگاه اوستیای شمالی، مقاله خود را با عنوان "تعامل دانشگاه دولتی اوستیای شمالی با دانشگاه علامه طباطبائی و دورنمای همکاری‌ها" ارائه داد. ایشان در بخشی از سخنان خود گفت که امروزه رشد همکاری‌های بین ایران و فدراسیون روسیه کاملاً مشهود است. همکاری‌های ما بر این اساس شکل گرفت که بتوانیم همکاری‌های فرهنگی را تعمیق بخشیم و باید از سفیر ایران در فدراسیون روسیه تشکر کنم که در طول حضور خود در مسکو از همکاری‌های فرهنگی میان دوطرف حمایت کرده است. با دانشگاه علامه طباطبائی در سال ۲۰۱۶ قرارداد همکاری را امضا و در سال ۲۰۱۷ در دانشگاه خودمان، اولین کنفرانس ایران و قفقاز شمالی را برگزار کردیم که مورد حمایت بخش قفقاز شمالی وزارت خارجه ما قرار گرفت. همچنین با دانشگاه علامه طباطبائی دوره‌هایی در سطح کارشناسی ارشد داشته‌ایم که مورد توجه دانشجویان ما قرار گرفت. ما دائماً از استادان زبان فارسی در دانشگاه‌های مان استقبال می‌کنیم و همچنین آماده‌ایم بررسی کنیم که میان برخی دانشگاه‌های ایران و روسیه مرکز الکترونیکی آموزشی‌ای به وجود بیاید که بتوان با استفاده از آن پروژه‌های علمی بیشتری را انجام داد. همچنین خوشحال خواهیم شد که از پیشنهادات طرف ایرانی در این زمینه آگاه شویم و روابط علمی مان را افزایش دهیم.

پرفسور میرجلال‌الدین کزازی سخنران بعدی بود که در بخشی از سخنرانی خود با عنوان: "نگاهی به پیوند فرهنگ و زبان‌های ایرانی و اوستیایی" اظهار داشت: برای من مایه خوشحالی است که می‌توانم با کسانی صحبت کنم که آن‌ها را ایرانی می‌دانم، هرچند در سرزمینی گسسته از ایران می‌زیند. ایران فرهنگی فراتر از ایران سیاسی است و در میان هموندان و بستگان به این ایران فرهنگی بود که مردمی که آنان را سرمتیان، آلانان و

اوستیان می‌نامیم، در چشم من ارج و ارزش بسیار دارند؛ زیرا پیوندشان به ایران، بیش از دیگر ایرانیانی است که بیرون از مرزهای جغرافیایی کنونی ایران به سر می‌برند. ایشان در ادامه به بررسی موشکافانه واژه قفقاز پرداخت و گفت: سرزمین قفقاز پیوندی بسیار تنگ با البرز و قاف دارد و پیوند میان ایرانیان با قفقاز و با مردمان اوستیا به پیوندی دور در تاریخ ما بازمی‌گردد و این دل‌بستگی که اوستیان به ایرانیان دارند، بیهوده نیست و بسیار کهن و ریشه‌دار است.

آخرین سخنران پنل اول، پرفسور ابوالقاسم اسماعیل‌پور بود که مقاله خود را با عنوان: "ریشه‌های تاریخی زبان آسی و بازمانده‌های آن در زبان فارسی" ارائه داد و گفت: «موضوع سخن من بررسی واژه‌های مشترک زبان اوسی و فارسی است که جزو زبان‌های ایران شمال شرقی بودند. زبان آسی وابسته به زبان‌های سکایی است و گویش آن بیشتر جنبه ادبی دارد. زبان آسی از آنجا که جزو زبان‌های ایرانی کهن است، از تأثیر زبان فارسی به دور مانده و پیشنهاد من در این نشست علمی آن است که طرح بررسی زبان آسی و فارسی را داشته باشیم.»

پنل دوم (موازی): اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

آقای دمیرچی‌لو رئیس اداره روسیه در سخنرانی خود با عنوان "جایگاه همکاری‌های استانی در روابط ایران و روسیه" گفت که معمولاً مناسبات بین پایتخت‌ها و اسناد منعقد و مراودات و دیدارهای بین مقامات در سطوح زیر بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد: -سطح دوجانبه به معنی تعاملات دو کشور در مسائلی مانند حوزه‌های سیاسی، بازرگانی، امنیتی و گردشگری که برای انجام آن‌ها سازوکارهای مشخص مانند کمیسیون‌های مشترک، کمیته‌های کاری مشترک و رایزنی‌های ادواری تعریف می‌شود. در سطح منطقه‌ای که تعاملات دو کشور را در سطح منطقه و در قالب تشکلهای منطقه‌ای یا بدون تشکلهای پوشش می‌دهد. سطح بین‌المللی شامل همکاری‌های دو کشور در مجامع بین‌المللی و در قالب موضوعات بین‌الملل سطح فروملی یا همان دیپلماسی موازی، شهری، چند لایه، فروملی و دیپلماسی مناطق است که بر اساس آن واحدهای سیاسی در چارچوب صلاحیت خود و قوانین کشور با واحدهای مشابه و متناظر خود ارتباط و همکاری دارند.

در روابط با روسیه شاهد هر سه سطح اخیر هستیم. همکاری‌های متنوع میان مناطق مختلف ایران و روسیه در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته و ساختارمند شده است. تاکنون و در سال ۲۰۱۶ دو نشست در تبریز و استاورپول داشته و فردا نیز دومین نشست به ریاست وزارت قفقاز روسیه با حضور نمایندگان استان‌ها و بخش‌های خصوصی در تهران تشکیل خواهد شد. با توجه به وجود اشتراکات تاریخی - فرهنگی، دینی، جغرافیایی و ظرفیت‌های موجود، به‌ویژه در استان‌های ساحلی دریای خزر، رابطه با قفقاز شمالی نقش مهمی در روابط بین منطقه‌ای و بین دو کشور دارد.

دو طرف تلاش می‌کنند تا بر مبنای اشتراکات از ظرفیت‌های مناطق بهره‌گرفته و بخش‌های دولتی و خصوصی و مطالعاتی با رسیدن به تفاهم‌های مهم گام‌های ارزشمندی در این رابطه برداشته‌اند. زمینه‌های همکاری بین ایران و روسیه موارد متعددی را در ابعاد تجاری، فرهنگی و مطالعاتی شامل می‌شود.

در باره چشم‌انداز همکاری‌ها بین ایران و قفقاز شمالی هنوز شناخت عمیق و کافی از همکاری‌ها وجود ندارد و باید تلاش کرد تا شناخت کافی برای دوطرف به وجود بیاید. ارتباط بین محافل فرهنگی، اجتماعی و تجاری باید ادامه داشته باشد. تاکنون همکاری‌های دانشگاهی، مبادله اسناد و دانشجو و ترجمه منابع علمی در دو طرف داشته‌ایم. برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های منافع مشترک نیازمند زیرساخت‌های لازم هستیم.

خانم کولوا سخرنانی خود را با عنوان "عوامل شکل‌گیری مکانیزم‌های مؤثر همکاری اقتصادی میان روسیه و ایران" ارائه داد و از جمله گفت که نمونه موفق و مؤثر انجام و ایجاد روابط اقتصادی و تجاری در سال‌های اخیر سال ۲۰۱۸ بود. اما به طور کلی در طول سال‌های اخیر به علت اعمال تحریم‌ها علیه ایران و روسیه حجم روابط اقتصادی دو کشور تحت تأثیر قرار گرفته است. در چنین شرایطی به لحاظ تمهیدات سیستماتیک اتخاذ شده توسط ایران و روسیه؛ در سه ماه اول سال ۲۰۱۹ حجم تجارت ۵۰۰ میلیون دلار بود که تا پایان سال می‌تواند به دو میلیون دلار برسد. در سال ۲۰۱۵ صادرات روسیه به ایران؛ ۱۳۰٪ افزایش و صادرات ایران ۸۰٪ کاهش داشته است و این تراز باید متعادل شود. سهم ایران از تجارت روسیه ۲۵٪ است. نظر به وجود مکانیزم‌های موجود، از جمله پروژه کریدور شمال جنوب به عنوان مسیر کوتاه از این منطقه به اروپا و از طرف دیگر به هند و آسیای شرقی

فرصت خوبی برای بهره‌برداری است. این پروژه پتانسیل سیاسی داشته و در تحکیم روابط با جنوب آسیا نقش مهمی دارد و از این جهت برای روسیه بسیار مهم است. پیگیری‌های سیاسی و اقتصادی و در نظر گرفتن تمهیداتی برای تسهیل روندهای اداری در این زمینه می‌تواند بر روند روابط دوکشور تأثیرگذار باشد.

موضوع دیگری که می‌تواند موجب تسهیل در روابط اقتصادی بوده و به تراز تعاملات تجاری بیانجامد تسهیل در صدور ویزا است. قفقاز شمالی با در اختیار داشتن پتانسیل پیرامونی توان روابط اقتصادی - تجاری با در نظر گرفتن سود متقابل با ج. ا. ا. داشته و در زمینه غلات، صادرات گوشت و صنایع و در راستای استراتژی توسعه محیط زیست روسیه تا ۲۰۲۵ نقش مؤثری ایفا می‌کند. حمایت کشورها و تدوین رژیم‌های ترجیحی گمرکی و مالیاتی فرصت بسیار مناسبی را فراهم خواهد نمود. در حال حاضر در جمهوری اسلامی ایران روند تکامل قوانین گمرکی در جریان است و نتایج بسیار خوبی را به دنبال خواهد داشت. بنادر دریای خزر می‌توانند نقش بسیار مهمی در امر تحقق استراتژی ایجاد و تقویت روابط اقتصادی میان دو کشور - از طرف روسیه منطقه قفقاز شمالی و از طرف ایران استان‌های شمالی - ایفا کنند. با تدوین قوانین ترجیحی مالیاتی می‌توان به سطح جدیدی از روابط با ایران رسید. برگزاری جلسات کمیسیون مشترک در سال‌های اخیر منجر به انعقاد تفاهم‌نامه‌های بسیاری شده که باید به مرحله اجرایی و عملیاتی برسد. اگر روسیه بخواهد جزء ۵ ابرقدرت برتر اقتصادی بشود، باید تلاش کند تا به مسیرهای جدید، از جمله مسیرهای منطقه‌ای برسد. البته ایجاد مکانیزم مؤثر همکاری‌های اقتصادی بین ایران و روسیه حمایت سیاسی و همچنین تدوین اسناد حقوقی و گمرکی را می‌طلبد.

موضوع سخنرانی آقای صادقی "عناصر فرهنگی ایرانی در قفقاز شمالی بر اساس سفرنامه‌های قرن ۱۶ میلادی" بود. وی با اشاره به اهمیت سفرنامه‌ها گفت که نوع روایت سفرنامه‌ها، لایه‌های مختلف آن جامعه را مشخص می‌کند. در ایران در قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی هم‌زمان با دوران صفویه، سیاحان برای رسیدن به ایران از قفقاز عبور می‌کردند. سیاحت‌نامه‌ها عناصر فرهنگی و سبک و شیوه زندگی را تشریح می‌کنند. حضور بلندمدت ایرانیان در قفقاز به گواه سیاحت‌نامه‌ها از دوران باستان و هخامنشیان تا ۲۰۰-۱۵۰ سال پیش ادامه داشته است. سیاحان وقتی به قفقاز وارد می‌شدند در بندر آوانسان و داغستان که

ضمیمه خاک ایران بود می‌ماندند. از همین رو نسل داغستانی‌ها به پارت‌ها برمی‌گردد. در سیاحت‌نامه‌ها از چهار عراق: عراق عجم، عراق عرب، عراق اکاسره (نهایند کنونی) و عراق دادیان در منطقه قفقاز نام برده شده است. منطقه البرز در اساطیر ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارد. البرز حقیقی در منطقه قفقاز قرار دارد. زبان فارسی در منطقه قفقاز حضور پررنگ داشته و متون سفرنامه‌ها به آن اشاره دارد. زبان فارسی در آن زمان شامل زبان‌های دهقانی و دری بوده و حاکم داغستان عنوان فارسی شاه را برای خود انتخاب می‌کند.

خانم دکتر آکایوا در سخنان خود با موضوع «جامعه ایرانی در کاباردینا- باکاریا در اقتصاد و فرهنگ استان ترسک از قرن ۱۹ تا قرن ۲۰» از جمله گفت که مسیر راه ابریشم در شمال قفقاز و از منطقه اوستیای شمالی بوده است. راه ابریشم از دره چریکمسکی و شامل مجموعه زیگبسکی و کاروان‌های متعدد بوده است. در زمان اختلافات ایران و روسیه و عثمانی تا آخر قرن ۱۸ ایران مرکز تجاری، فرهنگی و بازیگری فعال در این منطقه بوده است. در آن زمان مواضع روسیه در شمال قفقاز تحکیم شده بود و شاهد رشد و پیشرفت شهرها در شمال قفقاز بوده است. تجار ساکن در استاوراپول به ایران آمدند و برای تجارت کشمش و پارچه ابریشم به ایران می‌آوردند. تجار در کاروان‌سراها اقامت داشتند. با سابقه تجارت و روابط فرهنگی چند قرنی میان دو منطقه اکنون این پتانسیل را داریم که این روابط را گسترش دهیم، همان گونه که اخیراً غلات و گوشت حلال به ایران صادر کردیم.

دکتر کوزه‌گر کالچی در سخنان خود با عنوان "راهکارهای عملیاتی‌سازی همکاری‌های اقتصادی و تجاری ایران و قفقاز شمالی" ضمن توضیحاتی چند پیشنهاد به منظور تقویت همکاری‌های میان کشورمان با ایالات‌های واقع در منطقه قفقاز شمالی به شرح زیر ارائه داد: لغو کامل روادید بین ایران و قفقاز شمالی، با این توضیح که از زمانی که با کشورهای ارمنستان، آذربایجان و گرجستان سیستم لغو روادید داریم، تأثیر خوبی در زمینه گردشگری و تجارت داشته است. در بخش گردشگری عمده مسافرت‌های ایرانی‌ها به مسکو و سن‌پترزبورگ است. باید شرایط را تسهیل کنیم تا میل و اشتیاق به سفر به منطقه قفقاز شمالی نیز فراهم شود. برنامه‌های پروازی با هواپیماهای کوچک در این راستا مؤثر خواهد بود. معرفی طبیعت و محیط زیست جذاب و متفاوت در دو منطقه هم این امر را ترغیب

می‌کند. ایجاد بارانداز برای دپوی کالای ایرانی که صادر می‌شود و ضرورت وجود دپوی متمرکز و مشخص هم قابل ذکر است. همکاری بین مناطق ویژه اقتصادی ایران (ماکو، ارس و انزلی) و روسیه، تداوم همکاری‌های دوجانبه در قالب اتحادیه اوراسیا و پیگیری همکاری‌های دوجانبه در شرایط تحریم در بخش بیمه، گمرک و بانکی از دیگر پیشنهادات ایشان بود.

پنل سوم (موازی): اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی

دکتر کانوکوا در سخنان خود با عنوان جامعه ایرانیان ایرانی در ولادی قفقاز: عملکرد فرهنگی- اجتماعی- رفتاری در نیمه قرن ۱۹ و ابتدای قرن ۲۰ گفت که باید با دید فراخ‌تری به این منطقه توجه کنیم. حضور ایرانی‌ها که در سال‌های طولانی در این منطقه حضور داشته‌اند، به‌اضافه تجارب تاریخی موجود در ترسیم نقشه راهی موفق به ما کمک می‌کند. نزدیک به صد ملت و قومیت در ولادی قفقاز زندگی می‌کنند. از ابتدا ایرانیان به دنبال کار و تجارت از شهر تبریز به قفقاز وارد می‌شدند. شرایط کار و فعالیت برای ایرانیان در قفقاز فراهم بوده و در دوره تاریخی که فقر در ایران حاکم بوده است افراد مجبور به مهاجرت به قفقاز می‌شوند. آن‌ها برای کارگری و ساختمان‌سازی مشغول به کار شده، سپس تشکیل خانواده داده و خانواده را نیز به همراه خود آورده‌اند.

در آن زمان منابع روسی مردم را بر اساس دین دسته‌بندی می‌کردند. شیعیان شامل آذری‌ها و فارس‌ها بودند و کنسولگری ایران در کنار کارهای صدور اسناد و مجوزهای موردنیاز ایرانیان، به ایجاد تشکلهای هم می‌پرداختند. جمعیت فارس‌زبانان بسیار باتجربه بودند. تمامی افراد حاضر در این جامعه شامل ارمنی، یهودی و مسلمانان به بنای مکان‌های مذهبی مبادرت می‌نمایند و اولین مدرسه مشترک "نوروز" افتتاح می‌شود. زبان فارسی و روسی و علوم پایه در این مدرسه تدریس می‌شد. مسجدی برای ایرانیان و شیعیان آذری وجود داشت و کنسول ایران در این مسجد حضور فعالی داشت. در آن زمان اختلاف جدی با قفقازی‌ها نبوده و همزیستی مسالمت‌آمیز در این منطقه ایجاد شده بود. بعد از مدت‌ها آذری‌ها تصمیم گرفتند مسجدی برای خودشان احداث کنند تا آن مسجد مرکزی برای اتحاد ملت‌ها باشد.

جشن نوروز و جشن فارسی و مراسم عروسی فارسی برگزار می‌شد و مردم می‌دانستند که مردم فارس در این منطقه حضور دارند. مردمی که خود را فارس می‌نامیدند در حوزه تجارت و مذهب حضور فعالی داشتند.

دکتر رشتیانی با عنوان "تاریخ‌نگاری در قفقاز شمالی و معرفی چند متن محلی" سخنرانی کرد و گفت که تاریخ‌نگاری فارسی در قفقاز شمالی به علت تفاوت زبان‌ها از رشد و بالندگی چندانی در مقایسه با مناطق دیگر برخوردار نبوده است. در این باره توجه به ادبیات فارسی و سرودن شعر حائز اهمیت است. از مجموعه کتاب‌های موجود در قالب دربندنامه که اصل آن‌ها اکنون در کتابخانه ملی روسیه در سن پترزبورگ و نیز در ارمنستان وجود دارد که می‌توان به مواردی نظیر الباب، احوالات داغستان، اصل شعر در دربند و داغستان اشاره کرد. دربندنامه احتمالاً در قرن پنجم هجری قمری نوشته شده و در قرن دوازدهم هجری قمری محمد ابوبایی آغتایی آن را به زبان ترکی ترجمه می‌کند و در سال ۱۷۹۶م. به سفارش حاکم دربند به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۷۲۲م. پتر کبیر نسخه اصلی دربندنامه را به ایشان هدیه می‌کند. تاریخ دربند از دوره بستان و اقدامات انوشیروان و امیر سیستان بوده و از پیوند بین تاریخ قبل و بعد از اسلام و بین شهرها درست شده است. قوم لزگی‌های این منطقه را انوشیروان از کاشان به این منطقه آورده است که این موضوع حکایت از تجربه دوره باستانی این منطقه دارد. تحولات منطقه از سال ۴۶۰ق. تا نیمه قرن یازدهم ادامه دارد. کتاب دربندنامه جدید را وزیر اف در سال ۱۹۰۵م. در داغستان نوشته است.

آقای ساتسایف به عنوان یک ایران‌شناس در موضوع "جریانات معاصر توسعه اجتماعی و تجاری ایران و قفقاز شمالی" سخن گفت و از جمله بیان داشت که اولین شخصی هستم که زبان فارسی را در اوستیا یاد گرفتم. بعد از شوروی نمی‌خواستند تا دوباره فارسی در این منطقه احیا شود. یک دانشمند ایرانی می‌گوید زبان‌های ایرانی یک منشأ دارد. ریشه اصلی شما در قفقاز است. در واقع محل اصلی آریایی‌ها در اوستیا و قفقاز شمالی بود و وقتی آن‌ها از این منطقه مهاجرت کردند، فضا و تعداد ایرانیان کم شد.

منشأ زبان ما و شما یکی است؛ اما رفته‌رفته زبان‌های ما از هم دور شدند. ما زبان باستانی را بهتر حفظ کرده‌ایم. در حال حاضر حداکثر بیش از دو کلمه عربی در زبان‌مان

نداریم. از من برای برنامه توسعه زبان دعوت کرده‌اند و باید در چنین برنامه‌هایی از تاجیکستان هم دعوت کرد. توصیه من این است که ترویج و تقویت زبان ایرانی را در عراق و سوریه هم که آن‌ها نیز ریشه آریایی دارند، پیگیری کنید.

خانم دکتر موسایوا با عنوان "داغستان ساحلی در نظام همکاری‌های فرهنگی - اقتصادی روسیه و ایران: تاریخ و عصر جدید" سخن گفت. وی اظهار داشت: منطقه ساحلی داغستان در خدمت همکاری‌های ایران و روسیه است. تاکنون ملت‌های ایران و روسیه در داغستان روابط بسیار خوبی داشته‌اند. روابط اقتصادی - تجاری میان ایران و داغستان همواره برقرار بوده است. در زمینه باستان‌شناسی باید گفت که ایران و داغستان دوره‌های متفاوتی را تجربه کرده‌اند. سکه‌های فارسی ۱۵۰ سال قبل از میلاد را در این منطقه پیدا کرده‌ایم که حاکی از روابط تجاری بسیار خوب بین ایران و داغستان بوده و از گستردگی شرق به غرب مسیر جاده ابریشم هم می‌توان از دلایل رونق روابط مذکور نام برد.

بعد از احداث دیوار دربند، نزدیک به ۵ هزار نفر از طرف ایران در این منطقه حضور و سکونت داشتند که منابع عربی هم این موضوع را تأیید می‌کنند. ایرانیان از استان‌های مختلف و عمدتاً از قومیت‌های ترک‌زبان در این منطقه نگهبان بودند و از مرزهای داغستان دفاع می‌کردند. عمده مرزبانان موفق در آن دوره ایرانیان بودند. در همان زمان زبان و ادبیات فارسی بین نظامیان و مرزبانان رواج یافت. روابط فرهنگی در این دوران تحکیم یافت و از طریق داغستان و دربند به عنوان مسیرهای مهم در جاده ابریشم رونق پیدا کرد.

در آن زمان روابط تجاری و تولید هم از این طریق گسترش پیدا کرد و صنایع دستی، پارچه، مخمل، عسل، لباس‌های پشمی و برقه و روغن را با خود جابه‌جا می‌کردند. منطقه ساحلی در داغستان محلی برای ارتباط بین ملت‌ها شده است. در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی قایق‌های کوچک روسی و ایرانی در منطقه ساحلی داغستان رفت‌وآمد داشته‌اند. کالاهای باکیفیت شامل مخمل و دیگر پارچه‌های ایرانی که در اصفهان و کاشان تولید می‌شد به داغستان می‌رسید.

عنوان سخنرانی دکتر زرینی "در جست‌وجوی البرز" بود. به گفته وی در منابع تاریخی وقتی به شمال آذربایجان و قفقاز می‌رسد، صحبت از کوه‌های البرز است. سرچشمه نام البرز چیست؟ این عنوان بیشتر از سایر منابع در کتاب اوستا و متون دین زرتشت دیده می‌شود،

ولی در آنجا هم نمی‌گوید که کجا واقع شده و فقط آن را توصیف می‌کند. فردوسی نیز با الهام گرفتن از اوستا به البرز توجه ویژه دارد. فردوسی داستان‌های مهم مانند داستان زال را در کوه‌های البرز ترسیم می‌کند. به گواه برخی منابع، البرز در شمال شرق ایران و در منطقه بلخ قرار دارد. فردوسی البرز را در مرکز ایران معرفی می‌کند.

گزارش پنل دوم (موازی): تاریخی - باستان‌شناسی

در اولین پنل بعد از ظهر، ابتدا خانم گمیریا متخصص باستان‌شناسی با عنوان "مطالعه استحکامات بزرگ و نویافته ایران عصر ساسانی در رود روباس در جنوب داغستان و مشکلات تفسیر این اثر باستان‌شناسی (۲۰۱۶-۲۰۱۸)" سخن گفت. در منطقه قفقاز شرقی در فاصله قرون ۵-۶ استحکاماتی در راستای حفاظت از دولت قفقاز شرقی از کوچ‌نشینانی که در غرب خزر سکونت داشتند ساخته شده بود. عملیات باستان‌شناسی طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ انجام شده تا بتواند به تفسیر این استحکامات کمک کند.

سخنران دوم جلسه آقای دکتر رضوانفر با موضوع "بررسی کتیبه‌های مسجد ایرانیان در شهرهای دربند، ماخاچ قلعه، بویناکس و ولادی قفقاز" بود. وی بیان داشت که کتیبه‌های مسجد ایرانیان مربوط به مهاجران نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی بوده است و اولین مسجدی که به نام ایرانیان در قفقاز شکل گرفته مسجد ایرانی ولادی قفقاز بوده است و شعرنوشته‌ای به این مضمون که این مسجد به همت ایرانیان ساخته شده در کتیبه وجود دارد. ۳ سال بعد هم مسجدی متعلق به اهل تسنن در این منطقه ساخته شده است و در پشت این مسجد مدرسه‌ای است که اشیایی از ایرانیان در آن مدرسه یافت شده است.

مسجد بعدی در ماخاچ قلعه به نام ایرانیان است. حاج اسدالله خامنه به همراه دو پسرش به نام‌های حاج مجید و حاج لطف‌الله جهت تجارت به پطروسکه سفر می‌کنند و در این منطقه کارهای عام‌المنفعه انجام می‌دهند؛ برای نمونه ایشان ده مغازه در خیابان ایران می‌سازند و عایدی آن را وقف مسجدی می‌کنند که در این منطقه بنا کرده‌اند. از این مسجد ۳ کتیبه به دست آمده که نشان‌دهنده این است که سازنده مسجد حاج اسدالله در سال ۱۳۱۰ بوده است و کتیبه دوم به اسامی این سه نفر اشاره دارد.

نکته مهم اینجا است که ۹۰ سال پس از واگذاری دربند به روسیه، کتیبه به نام شاه ایران نوشته شده است. همچنین مدرسه دخترانه و قبوری که متعلق به مهاجران است در این منطقه وجود دارد و اسامی خانوادگی صاحبان قبرها نشان‌دهنده این است که اینان متعلق به ایران بوده‌اند. حاج اسدالله به‌غیر از قفقاز شمالی مدارس دخترانه‌ای را در خامنه و مشهد نیز ساخته است.

سخنران سوم جلسه آقای نظیم هجرتی با موضوع "چشم‌اندازهای همکاری‌های بین فدراسیون روسیه و ایران در حوزه باستان‌شناسی و ارتباطات فرهنگی کهن دو کشور" بود. طبق گفته‌های نام‌برده، تاریخ روابط بین ایران و قفقاز بالغ بر ۲۵۰ هزار سال است. آثار باستانی از نوع سنگ و چوب که از آن به "موستری از نوع زاگرس" نام می‌برند، آثاری است که بین غارهای استان لرستان در استان مرکزی و منطقه قفقاز مشترک است و در اوایل دوران برنز راه‌های باستانی در کوه‌ها و رودخانه‌ها گشوده بوده است.

در قرون ۶ و ۷ ارتباط نزدیکی با سلسله ساسانی برقرار بوده است. شاید بتوان گفت که آوانی‌ها متحدان ایران بوده‌اند و علیه دشمنان می‌جنگیدند. آوانی‌ها عملیات نظامی را به خوبی انجام می‌دادند. همچنین از نظر جغرافیایی مانع خوبی برای کوچ‌نشینی بودند که از استوای شمالی به جنوب حمله می‌کردند. اینان سیاست خارجی خوبی داشتند که باعث تأثیرگذاری شاهان آوانی می‌شد. اینان در سرزمین‌های گرجستان حضور داشتند و ایرانی‌ها به وسیله اینان مرزهای خود را تحکیم می‌بخشیدند و ساختار دفاعی توسط اینان انجام می‌شد. مستحکم‌ترین خط دفاعی "قلعه دری" بوده که ظاهراً به‌دست شاهنشاه خسرو انوشیروان اول در قفقاز ساخته شده است. آثار اتحاد آوانی‌ها با سامانیان را در بناهای باستانی مشاهده می‌کنیم. در این آثار باستانی می‌توان دید که چطور اینان از سیستم متالوژی و آلیاژسازی استفاده می‌کردند. به هر حال وجود ساخت دیوارهای حفاظتی و وجود برج‌وبارو و همچنین آثار فولکوری که از آن دوران باقی مانده است نشان‌دهنده روابط نظامی و ژئوپلیتیک با ایران بوده است.

سخنران بعدی جلسه آقای حسینی تقی‌آباد با موضوع: "ایلغار مغول در قفقاز شمالی" بود. وی در ارتباط با برخوردهای مغول‌ها با گرجی‌ها و جمعیت موجود در قفقاز سخن آغاز کرد و در ادامه گفت که ما در ایران یکی از بدترین ضربات را در قرن ۱۳ میلادی از سوی

دیوان سالاران دربار مغول خوردیم و آثار به جا مانده از آن دوران، مغول را با دوکارکرد معرفی می‌کند. اول جنگجو بودن مغول‌ها و دوم اتصال غرب به شرق توسط آنان، مسیری که جغرافی‌دانان عبور از آن را مهم می‌دانند. چنگیزخان پس از چیره شدن بر چین و بخشی از آسیای میانه با خوارزمشاهیان همسایه شد و خواستار بازکردن راه بازرگان میان قلمرو خوارزمشاهیان و چین بود. در زمان جلال‌الدین خوارزمشاه ۲ تن از سرداران مغول به دنبال قلع‌و‌قمع آذربایجان تا عراق وارد قفقاز می‌شوند. روایت است که وقتی مغول‌ها به دربند رسیدند، "شیرمان شاه" ۱۰ نفر را برای مذاکره فرستاد که مغول‌ها یک نفر را کشتند و از ۹ نفر باقی‌مانده راه را پرسیدند. مغول‌ها به قلچاق‌ها پیام می‌دهند که ما و شما از یک جنسیم. نمایندگان فرزندان چنگیز به بلغارها و روس‌ها حمله می‌کنند و چرکس‌ها را شکست می‌دهند و بعد به سوی آلان‌ها می‌آیند که فتح صورت نمی‌پذیرد تا اینکه کمک می‌گیرند. برای مطالعه این جنگ‌ها می‌توانیم از منابع ایرانی در زمان مغول کمک بگیریم.

پنل سوم (موازی): ادبیات و زبان‌شناسی

در سومین پنل همایش ایران و قفقاز شمالی با موضوع ادبیات و زبان‌شناسی، اولین سخنران جلسه آقای اصفهانی با موضوع "مقایسه افسانه‌های تولد آغازین در نارت‌ها با شاهنامه فردوسی" بود. وی در ابتدا از خانم دکتر شفقی جهت ترجمه متن نارت‌ها تشکر کرد و در ادامه گفت که نارت‌ها در باره حماسه قهرمان‌های اوستی‌ها است. افسانه‌های اوستی به ظاهر افسانه است، اما در واقع گویای تاریخ و روان‌شناسی و قوم‌شناسی آن زمان این مردم است. متن کتاب با متون پهلوی ایرانی قابل سنجش است. متن کتاب اسطوره‌ای حماسی است و زیرمتن‌های بسیاری را در لایه‌های خود دارد. مثلاً جمشید نمادش انسانی با دوپیکر است و این بدین معنا است که جمشید همزاد و خواهری داشته است و این دوگانگی به این معنا است که همه چیز در این دنیا دوگانه است. جم نماد دوگانه‌های اخلاقی است؛ برای نمونه آسمان و زمین، پیروزی و شکست، زندگی و مرگ. در کتاب نارت‌ها هم مشابه مفاهیم دوگانه دیده می‌شود.

دومین سخنران این پنل آقای سالیف در موضوع "عنصر ایدئولوژیک اوستیایی- ایرانی (کیش پادشاهی)" اظهار داشت که نارت‌ها بسیار شبیه به شاهنامه است. اگر بخواهیم پارامترهای تکمیلی داشته باشیم می‌توانیم از رسومات استفاده کنیم و برای دوره زمانی

قرون وسطی و قبل از آن ایدئولوژی به دست آمده مربوط به حماسه بوده است. در این زمینه پادشاه نقش محوری داشته و خیلی مهم است که ما نقش کلیدی پادشاه را درک کنیم. ضحاک نشان‌دهنده بدی‌ها است که پادشاهی را به طور غیرقانونی از آن خود می‌کند و کارهای بد و شرارت بار انجام می‌دهد. برای اینکه رسومات را متوجه بشویم، نقش کلیدی را کاوه ایفا می‌کند. وی قیام می‌کند و لباسش که از پوست میش بوده به پرچی تبدیل می‌کند که پرچم پادشاهی می‌شود و کاوه گری می‌سازد که بعد از ضحاک، نماد دولت پادشاهی می‌شود.

برای اینکه بشود این سوژه را در حماسه نارت‌ها دید لازم است که به رسومات توجه کنیم، در زمان دعای آستی حتماً یک حیوان قربانی می‌شود که بهتر است قوچ باشد، سپس سر و گردن قوچ را جلوی بزرگ‌ترین فرد جلسه می‌گذارند و او دعا می‌خواند و قبل از تمام شدن دعا گوش راست قوچ را می‌برند و آن را به سه قسمت تقسیم می‌کنند و نمک می‌زنند و به سه جوان حاضر در جلسه می‌دهند و از پیر جلسه تشکر می‌کنند. پیر آن‌ها را نصیحت می‌کند که باید همدیگر را خوب درک کنند و به حرف بزرگ‌تر گوش دهند. سپس پوست قوچ را برای آهنگر می‌فرستند. در شاهنامه و در تشریفات مذهبی اوستیایی، پادشاه که معاونش قوچ است قربانی می‌شود. آهنگر کسی است که چاقو را درست کرده که با آن بتوان گوش را برید. ۳ جوان فرزندان فریدوند که بین خودشان ولایت را تقسیم می‌کنند. همچون شاهنامه حماسه نارت‌ها در پایه خود پادشاهی است و ما از این قطعات ادبی یک واحد را ایفا می‌کنیم. در آثار نارت‌ها و شاهنامه همسانی و وحدتی دیده می‌شود که نفوذ مذهب ارتدوکس در اوستیا و زرتشت در ایران نتوانسته مانعی بر سر راه این شباهت‌ها باشد. برای دریافت نقاط تشابه و وحدت یک کلید یا متد لازم است که به وسیله محققان ایرانی و اوستیایی انجام می‌شود.

سخنران بعدی جلسه دکتر مصطفوی با موضوع "بازتاب خصوصیات مشترک فرهنگی بین ایرانیان و ایرونیان در آیین ضرب‌المثل‌ها و اصلاحات عامیانه" سخن گفت. به گفته ایشان ضرب‌المثل‌ها یکی از آیتم‌های مهم ادبیات هر ملتی است و نشان‌دهنده طرز تفکر و رفتار آن‌ها است. ملت‌ها با این جملات قصار آموزش می‌بینند و زندگی خود را بر اساس اخلاق شکل می‌دهند. ایرانی‌ها و ایرونی‌ها خصوصیت‌های مشترک دارند؛ خصوصیات مانندی مقاومت، صلح‌طلبی و تلاش. هر دو قوم خیلی تلاش‌گرند و ارزش تلاش را مانند زندگی

می‌دانند. خداپرستی کلمه کلیدی برای ایران کهن و اوستیا بوده است. زبان اوستی یکی از زبان‌های ایرانی است و بر اساس مستندات تاریخی و مورخان و زبان‌شناسان اوستی‌ها، ایرانی‌اند. زبان اوستایی ۲ لهجه دارد ایرونی و اوستیایی، آلانی‌ها اسم خود را از ملت یاس می‌گرفتند. اوستیائی‌ها به پادشاهی روسیه پیوستند. فتحعلی‌شاه بر این باور بوده که ایر؛ یعنی گرجی و بعضی‌ها گفته‌اند که ایر زبان کهنه ایران است. اوستیایی‌ها و ایرانی‌ها مشترکات زیادی در ضرب‌المثل دارند و ضرب‌المثل نشان‌دهنده ارزش‌های فرهنگی ملت‌ها است. آن‌ها ملت واحد با فرهنگ واحد بودند و ایرانی‌ها و اوستیایی‌ها هرچند جغرافیای متفاوت داشتند؛ اما پیشینه خود را حفظ کرده‌اند.

موضوع سخنرانی خانم گوتیوا "میراث واژگان ایرانی در بنیاد واژگانی زبان اوستیایی" بود. به گفته وی اهمیت زبان اوستیایی این است که یکی از زبان‌های کهن ایرانی است و مرتبط با زبان‌های هند و اروپایی است. ایشان تعدادی از کلمات را ریشه‌شناسی کرد و نشان داد که کلمات دارای ریشه‌های مشترک‌اند. بعضی لغت‌ها تک‌ریشه‌ای‌اند؛ مانند اخشواب در اوستیایی به معنی شب است یا وات به معنای تندباد است که در فارسی میانه هم تندباد معنی شده است. ایشان برای مثل دو کلمه نام ایران را بیان کرد و گفت که تلفظ این دو کلمه متفاوت بوده است و نام در زبان اوستیایی به نوم و ایران به ایرون تبدیل شده است.

Name	Nome
Iran	Iron

در انتها ایشان همکاری علمی زبان‌شناسی میان ایران و اوستیا را بسیار مهم دانست و در پایان سخنانش دیکشنری سه‌زبانه اوستیایی، روسی، انگلیسی را به دانشگاه علامه طباطبائی اهدا کرد.

سخنران بعدی خانم دکتر صادقی در خصوص "سیمای ایران و عمر خیام در آثار رسول حمزه‌توف، شاعر داغستانی" صحبت کرد و گفت که عمر خیام تأثیر زیادی بر "رسول حمزه‌توف" داشته است. او سه بار همراه میرزا تورسون‌زاده شاعر تاجیکی به مشهد و زیارت قبر خیام در نیشابور رفته و گفته بود که من بیش از هر چیز رباعیات خیام را دوست داشتم

و خیلی دلم می‌خواست که با عمر خیام پشت یک میز بنشینم و صحبت کنم. در میان شاعران، حافظ تأثیر زیادی بر رسول حمزه‌توف داشته است. گامزاتوف وقتی در خصوص آرامگاه خیام صحبت می‌کند به گفته خیام اشاره دارد که گفته است: «من آرزو دارم مزارم در جایی باشد که در بهاران برگ گل روی مزارم بریزد، بنابراین من مکانی در باغ را که اختلاف سه متری نسبت به درختان زردآلوی باغ داشت انتخاب کردم چون این مکان سه متر پایین‌تر قرار دارد؛ فصل بهار شکوفه‌های زردآلو روی مزار می‌ریزد.» و رسول حمزه‌توف با شعری پاسخ می‌دهد که چه تاجیک باشی یا ایرانی پاسخ‌گوی عشق هستی. رسول حمزه‌توف می‌گوید سعدی و حافظ بر قلۀ شعر قرار دارند و من به این دو سر تعظیم فرود می‌آورم.

سخنران دیگر دکتر ساکایوا با موضوع: "تصویر سیمرغ ایرانی در بستر فولکلور اوستیایی" بود. ایشان به شباهت بین داستان‌های قدیم ایران و قفقاز شمالی اشاره کرد و گفت که ۲ خدای ایرانی سیمرغ و دیگری حورس است که یکی از دانشمندان ما حورس را خورشید شناسایی کرده است. ما داستانی با نام ۳ مرغ طلایی داریم و ایرانی‌ها سیمرغ را در داستان‌های‌شان دارند. این دو داستان شباهت بسیاری با هم دارند سه مرغ روی درخت زندگی می‌کنند و می‌توانند تا آسمان هفتم بالا روند که بسیار شبیه به داستان سیمرغ ایرانی است. یک المان دیگر هم وجود دارد در جهان بعدی گرگ‌هایی با صورت فلزی وجود دارد که نمی‌توانند به آسمان بروند.

خانم مامیوا با موضوع "انعکاس جهان‌بینی اسطوره‌ای ایران باستان در ذهن هنری اوستیایی‌ها" آخرین سخنران این بخش بود. به گفته وی سه دوره داستان‌نویسی به فرهنگ مشترک آریایی ما برمی‌گردد. معناشناسی خلق جهان ثنوی یا هم‌زمان، ویژگی‌های ایجاد انگیزه اشتقاقی واژگان در رمان اسطوره‌ای اوستیایی تحلیل می‌شود. مفهوم شعور، اهمیت کارکردی نیکی- بدی و اندیشه- واژه در فرایند استقرار جهان جالب است. در زمانی از گوسالووا، حیواناتی است که صحبت می‌کنند. مفهوم دوگانگی مفهوم خیر و شر در داستان‌های کهن وجود دارد و نمونه تفکر اسطوره‌ای در داستان‌های قدیمی ادبیات اوستیایی به چشم می‌خورد. اشاره به فرهنگ نوروژ و جهان مردگان و زندگان از دیگر مواردی بود که خانم مامیوا به آن اشاره کرد.

پنل چهارم (مشترک)

در ابتدای پنل خانم بسالوا سخnerانی خود را با عنوان "آداب بزرگداشت اجداد میان ایرانیان و اوستیایی‌ها" ارائه داد. وی به تشابهات اعتقادات در بین دولت در زمینه جاودانگی روح و زندگی پس از مرگ و تأثیر این اعتقادات بر تشابه آیین‌های تدفین اشاره کرد. وی همچنین به مشابهت‌های میان جشن‌های نوروز و فروردین در ایران با جشن‌های باستانی مردم اوستیا و ارتباط این جشن‌ها با بزرگداشت و یادبود درگذشتگان پرداخت.

دومین سخnerان دکتر مرشدلو با عنوان "مناسبات تجاری ایران و شمال قفقاز در دوره صفوی" سخnerانی کرد. وی در ابتدا به اهمیت منطقه قفقاز در طریقت صفوی و شکل‌گیری این دولت اشاره کرد و ابراز داشت که متأسفانه منابع فارسی اطلاعات زیادی در خصوص روابط تجاری دوره صفوی ارائه نمی‌دهند. وی ابراز داشت از اوایل قرن هفدهم میلادی، شهری موسوم به "شماخی" اهمیت فراوانی را در مناسبات تجاری ایران و قفقاز پیدا کرده و تبدیل به مرکز تجاری بزرگی شده بود. این اهمیت تا اواخر دولت صفوی همچنان پابرجا بود، اما آشوب‌ها و آشفتگی‌های داخلی ایران پس از سقوط این دولت باعث کاهش مناسبات تجاری این منطقه شد.

سومین سخnerان، دکتر عبدالهی سخnerانی خود را با موضوع "زنان در حماسه‌های نارتی و فولکلور ملل ایرانی" ارائه داد. وی در ابتدا به ارزش و اهمیت شاهنامه فردوسی در فرهنگ و هویت‌سازی ایرانی پرداخت و سپس اشاره کرد که هم در این کتاب و هم در حماسه‌های نارتی با وجود فضای مردسالارانه حاکم بر این آثار، با زنانی روبه‌روایم که شخصیت‌هایی تکامل‌یافته و شجاع دارند و نقش مهمی را در روند امور دارند. علاوه بر این تشابه محتوایی، توصیفات ظاهری از زنان و ویژگی‌های آنان نیز در هر دو این حماسه‌ها به صورت یکسان و مشابهی جلوه‌گر شده است.

آخرین سخnerان این پنل خانم دالگات و موضوع سخnerانی وی "ایرانیان در شهرهای داغستان در نیمه دوم قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم" بود. وی در ابتدا به آمارهای موجود در خصوص تعداد ایرانیان اشاره کرد و ابراز داشت که افزایش شمار ایرانیان در این منطقه باعث تأسیس سرکنسولگری ایرانی شد. وی گزارشی را در خصوص شیوه زندگی ایرانیان و

معیشت آنان و نقش‌شان در توسعه کشاورزی این منطقه ارائه داد و در نهایت با اشاره به ارتباط ریلی میان ایران و روسیه در دوران حاکمیت شوروی پیشنهاد کرد که مجدداً خط ریلی تهران- مسکو مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

بخش پایانی: در این بخش رئیس محترم مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی در جمع‌بندی همایش سه نکته کلیدی را مطرح کرد؛ نخست اینکه این همایش بازتابی از روابط ایران با فدراسیون روسیه است. دوم اینکه روابط ایران و روسیه وجوه و جنبه‌های مختلفی داشته است که در این همایش دوجنبه آن برجسته بود: یکی اهمیت منطقه قفقاز شمالی در روابط فیما بین و مسئله دیگر اشتراکات قوی اجتماعی و فرهنگی میان دو ملت که در میراث مشترک و تشابهات زبانی قابل مشاهده است. نکته سوم اینکه این همایش روشن کرد که در حوزه روابط ایران و روسیه با وجود تحقیقاتی که تاکنون انجام شده است، هنوز میدان‌های بکر فراوانی برای کار پژوهشی وجود دارد. ایشان در نهایت نتیجه‌گیری کرد که روابط ایران و روسیه در طول تاریخ سه دوره را پشت سر گذاشته است. دوره اول دوره پیوستگی تاریخی دو کشور در طول قرون و دوره دوم دوره گسست به دلایل مختلف منطقه‌ای و جهانی بوده است. اکنون در دوره سوم به سر می‌بریم که دوره به هم پیوستگی است و یکی از کلیدهای این به هم پیوستگی همکاری‌های پژوهشی و علمی است که همایش مزبور، نمونه و جلوه‌ای از آن بوده است.

دور اول همایش در آذرماه دو سال پیش (۱۳۹۶) در ولادی قفقاز مرکز اوستیای شمالی برگزار شده بود که در آن هیئتی متشکل از مقام‌های این مرکز و اساتید دانشگاه و پژوهشگران مرکز علمی کشور شرکت کرده و به ارائه مقاله پرداختند.

همایش جاری با استقبال گسترده‌ای از سوی جامعه دانشگاهی کشور روبه‌رو شد و استادان ایرانی پژوهش‌های برجسته‌ای را در خصوص موضوعات مختلف همایش ارائه دادند. در این میان پژوهش‌هایی که مبتنی بر اسناد آرشیوی وزارت متبوع انجام شده بود، بسیار مورد توجه قرار گرفت.

سخنرانی ادیبانه و فاخر دکتر کزازی استاد برجسته دانشگاه علامه طباطبائی در خصوص ایران فرهنگی و پیوندها و قرابت تاریخی ایران و قفقاز شمالی بسیار مورد توجه حضار واقع شد. ایشان نیز با اشتیاق فراوانی تا پایان برنامه‌های همایش حضور داشت و مباحث را پیگیری می‌کرد.

در روزهای حضور هیئت روسی، برنامه‌های جانبی، از جمله بازدید از سازمان اسناد و کتابخانه ملی، دانشگاه الزهرا و بخش بین‌الملل حوزه علمیة قم برای استادان و پژوهشگران روس برگزار شد.

در مجموع برگزاری منظم چنین همایش‌هایی به سبب اینکه موجب افزایش درک و شناخت مشترک دو طرف از همدیگر و افزایش مناسبات میان جوامع دو کشور خواهد شد، از اهمیت فراوانی برخوردار است و در نهایت به تعمیق و چندوجهی شدن روابط میان جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه خواهد انجامید.